

بررسی تطبیقی اوضاع اقتصادی – اجتماعی شهرهای نیشابور و تربت جام در دوره تیموریان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱۰

راضیه فرستاده^۱

زهرا شبانی ثانی^۲

چکیده

تیمور گورکانی و فرزندانش به آبادانی شهرها اهمیت می‌دادند و به خلق آثار ماندگار و باشکوه بسیاری پرداختند. در حالی که توجه تیموریان به عمران برخی از شهرها نسبتاً خوب بود، اما در نواحی دیگر به اندازه کافی در این خصوص رسیدگی نمی‌شد. پس از مرگ تیمور، تاخت و تازهای امیرزاده‌گان و ترکان قراقویونلو و آق‌قویونلو ثبات سیاسی را در ایران از بین برد. دستگاه تیموری که به دور از ظلم و ستم نبودند آثار مخربی بر زندگی اجتماعی مردم بویژه در سرزمین خراسان بر جای گذاردند. اما در اوقات آرام و به دور از نبرد، برخی از مناطق کوچک، مانند تربت جام در خراسان، مورد توجه خاص تیموریان قرار گرفت و از رشد اقتصادی خوبی برخوردار گشت و اوضاع اجتماعی این منطقه نیز تا حدودی بهتر شد. ولی در مقابل، شهر نیشابور که از تربت جام بزرگتر و معروف‌تر بود، کمتر مورد توجه امرای تیموری قرار گرفت. بنابراین رشد اقتصادی و اجتماعی نیشابور، به خصوص با وقوع دو زلزله، نسبت به پیشرفت اقتصادی و وضعیت اجتماعی تربت جام، نامناسب‌تر بود. آثار عدم وجود ثبات سیاسی پس از مرگ تیمور، ظلم امرابر رعایا، اقدامات عام‌المنفعه تیموریان و توانمندی‌ها و ویژگی‌های جغرافیای منطقه‌ای در وضعیت اقتصادی و اجتماعی دو شهر نیشابور و تربت جام در قرون نهم و دهم قمری، از دلایل بررسی تطبیقی این دو ناحیه به حساب می‌آیند. در این تحقیق، سعی شده است که از روش تاریخی و همچنین در بخش آثار تاریخی به جای مانده از دوره تیموریان، از روش میدانی استفاده شود.

واژگان کلیدی: تیموریان، نیشابور، تربت جام، اوضاع اجتماعی و اقتصادی تیموریان.

۱. shadi.ferestad@yahoo.com

۱. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی. نویسنده مسؤول

shabni.sani@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی و مدرس دانشگاه پیام نور بردسکن

مقدمه

مرزهای جغرافیایی خراسان در طول تاریخ، بسیار گسترده و ناپایدار توصیف شده است. در جغرافیای باستان، محدوده خراسان از کومش تا بلخ، خوارزم، سغد و سمرقند ذکر شده است. در عهد ساسانی، اردشیر اول برای خراسان چهار مرزبان تعیین کرد: مرو شایگان، بلخ و طخارستان، ماوراءالنهر، هرات و پوشنگ. در دوره اسلامی، درباره حدود خراسان اتفاق نظری وجود نداشت. بسیاری از جغرافی دانان، ماوراءالنهر، خوارزم را جزء خراسان دانسته‌اند، البته این مسأله ریشه در تقسیمات ماوراءالنهر داشته است. به واسطه این‌که در دو قرن اول هجری، خراسان و ماوراءالنهر از سوی حاکمی عرب اداره می‌شد، تقریباً همه جغرافی دانان قرن سوم هجری بر این باور بودند که ماوراءالنهر از نواحی خراسان به‌شمار می‌رفته است. از اواخر سده چهارم و به‌ویژه سده پنجم هجری، به‌واسطه تشکیل دولت قراختائیان در ماوراءالنهر و تعیین مرز جیحون بین غزنویان و سپس سلجوقیان با قراختائیان، ماوراءالنهر به عنوان ایالتی جداگانه شناخته می‌شد. در قرون هفتم و هشتم هجری، خوارزم استانی جداگانه به‌شمار می‌آمده است. حافظ ابرو، مورخ دوره تیموری، خراسان را مملکتی وسیع می‌دانست که از سمت شمال به رود جیحون، از جنوب به سند، کابل و نواحی سیستان و از غرب به گرگان تا دریای خزر و بیابانی که میان خراسان و حدود سمنان و ری قرار داشت، محدود می‌شده است.

در روزگار هخامنشیان، مملکت خراسان زیاد اهمیت نداشت چون فقیر و بی‌چیز بود و قادر نبود آذوقه موکب پرجمعیت شاهان را فراهم کند. در دوره‌های اسلامی چون خراسان در کنار نواحی فتح نشده به‌دست اعراب قرار داشت از اهمیت خاصی برخوردار گشت. با فروپاشی ایلخانان در ایران، امیر تیمور گورکانی پس از فتح ماوراءالنهر، ابتدا به شهرهای خراسان هجوم آورد. خراسان در دوره اسلامی به چهار قسمت یا چهار ربع تقسیم می‌شد که نیشابور یکی از چهار ربع بود. نیشابور در قرن‌های چهارم، ششم و هفتم قمری منطقه‌ای بزرگ با روستاهایی حاصلخیز بوده و آب قنات‌های آن با آب دجله و فرات، برابر دانسته شده است. علاوه بر آن، نیشابور شهری تجاری و محل رفت و آمد بازرگانان معرفی شده است. تربت‌جام یکی دیگر از نواحی خراسان در طول تاریخ

به نام‌های زام و بوزیگان معروف بوده است. ابن بطوطه سیاح دوره ایلخانان اعتبار شهر جام را از وجود مقدس شیخ احمد جام می‌داند و به مرور زمان ولایت جام به تربت جام تغییر نام می‌دهد. جام در دوران مغول، شهری متوسط بوده که باغ‌ها، درختان و چشمه‌های فراوان داشته و حریر در آن زیاد به عمل می‌آمده است.

مقالات و کتاب‌های بسیاری در مورد تاریخ محلی نیشابور و تربت جام به نگارش درآمده‌اند. چون اثر مستقلی که به بررسی و تطبیق اوضاع اجتماعی و اقتصادی این دو ناحیه در عهد تیموری که در اصل، هدف پژوهش نیز همین موضوع می‌باشد، پرداخته نشده است بنابراین احساس شد که در این زمینه پژوهشی صورت گیرد. در عهد تیموری با تبدیل شدن شهر هرات به پایتختی شاهرخ میرزا، از نیشابور بزرگ که دارای منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی مناسبی بوده پیشی گرفت و بیشتر امتیازات و امکانات را از آن خود کرد و نیشابور از اهمیت سابق افتاد. آشفتگی‌های ناشی از بروز جنگ‌های جانشینی و حمله ترکان، ضعف دستگاه دربار تیموری، وقوع دو زلزله و وجود ستم بر مردم در حالی که برخی از حکام تیموری، سعی بر بهبودی وضعیت رعایا داشتند، همگی سبب شدند که اوضاع اجتماعی و اقتصادی نیشابوریان چندان مطلوب نباشد. از آنجا که امیر تیمور و فرزندانش به عارفان نامی بسیار اهمیت می‌دادند، توجه خاصی به مقبره شیخ احمد در تربت جام از خود نشان دادند. این توجهات سرآغاز رشد و ترقی ولایت جام شد و آثار معماری زیبایی توسط امیرزاده‌گان تیموری بنا شد. بناهای عام المنفعه، در ارتقای اقتصادی و تا حدودی بر بهبودی وضعیت اجتماعی تربت جام تأثیرات مثبتی بر جای گذارد. تیموریان به تربت جام که ناحیه‌ای متوسط بود بیشتر از نیشابور که بزرگ بود، اهمیت دادند به طوری که سبب ایجاد تغییراتی در موقعیت دو ناحیه شدند. این قضایا سبب انتخاب و بررسی تطبیقی دو شهر مورد نظر با استناد به منابع دست اول، دوم و پژوهشی، در این تحقیق شده است.

پرسش‌های تحقیق عبارتند از:

۱. آیا اقدامات عام‌المنفعه تیموریان باعث ایجاد رشد و رونقی در وضعیت اقتصادی

و اجتماعی تربت جام شد؟

۲. آیا در عهد تیموری، پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دو شهر نیشابور و تربت جام در یک سطح بود؟

فرضیات اصلی این تحقیق عبارتند از:

۱. اقدامات عام‌المنفعه تیموریان تا حدودی اوضاع اقتصادی و اجتماعی تربت جام را بهبود بخشید و بر وسعت آن افزود.

۲. وضعیت اجتماعی و اقتصادی نیشابور در عصر تیموریان به مانند وضعیت تربت جام تا حدودی بهبود یافت اما رشد اقتصادی نیشابور بیشتر از تربت جام بود.

نگاهی کوتاه به سیاست‌های تیموریان در نیشابور

نیشابور از اواخر عهد ایلخانی به تصرف سربداران سبزواری درآمد و با تسلیم آخرین نماینده سربداران در سال ۷۸۴ ق. در برابر هجوم تیمور، بدون مقاومت به دست ترکان افتاد. البته اهالی نیشابور که تجربه قتل و غارت دوره مغول را داشتند (جوینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۳۲-۱۳۳) با ترس و وحشت سر تعظیم فرود آوردند و از ویرانی، قتل و غارت نجات یافتند (نطنزی، ۱۳۸۳: ۲۳۸). متأسفانه نیشابوریان صلح‌خواه، در دوران حکومت تیموریان، بیشترین حوادث سیاسی که شاهد آن بوده‌اند مربوط به جنگ و گریز بوده است. از جمله هنگامی که شاهرخ میرزا از جانب پدرش تیمور، بر نواحی خراسان، سیستان، مازندران تا آب آمویه با مرکزیت هرات مسلط گشت (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۱۰) امیر سید خواجه نامی را در سال ۸۰۷ ق. به حکومت ولایت نیشابور و چند منطقه دیگر منصوب نمود. ولی سید خواجه راه خیانت و شورش را در پیش گرفت و از حکومت نیشابور کنار زده شد (سمرقندی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۲). در سال ۸۵۰ ق. پس از فوت شاهرخ، جنگ‌های جانشینی رخ داد و علاءالدوله بن بایسنقر که در اندیشه فتح خراسان بود، به محض آگاهی از مرگ پدر بزرگش با عبدالطیف دیگر نواده شاهرخ در نیشابور درگیر شد و او را اسیر کرد (اسفزاری، ۱۳۳۹: ۱۳۰ - ۱۳۱). نیشابوری‌ها در طی حمله دوم یادگار محمد بن محمد بن بایسنقر بن شاهرخ با مدد آق‌قوینلوها به خراسان در سال ۸۷۴ ق.

طعم ستم و آزار و اذیت بسیار را کشیدند و در سال ۹۰۵ ق. محمد حسین میرزا پسر سلطان حسین بایقرا که بر ضد پدر شورشیده بود، به قلمروی وی تجاوز نمود و نیشابور را غارت کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۴۳-۲۵۱).

بررسی اوضاع اقتصادی و اجتماعی نیشابور در عهد تیموری

تیمورگورکانی و برخی از فرزندانش با ایجاد آرامش نسبی در خراسان، به خلق آثاری باشکوه پرداختند و برخی از مناطقی که خراب کرده بودند را آباد نمودند (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۱۲-۱۳). البته توجه خاص تیمور و خاندانش به برخی از نواحی، امکان رشد و پیشرفت را از سایر مناطق سلب نمود (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۶۰۹). دو زلزله در نیشابور عهد تیموری رخ داد یکی در سال ۷۹۱ ق. و دیگری که مخرب‌تر بود، در سال ۸۰۸ ق. (طاهری، ۱۳۸۰: ۶۶) پس از زلزله ۸۰۸ ق. هر چند شاهرخ بن تیمور به باسازی آن همت گمارد و به گفته حافظ ابرو - مورخ شاهرخ میرزا - بازارهای معمور، مساجد، مدارس و خانقاه‌ها دوباره در نیشابور جدید رونق یافتند، اما به‌طور مسلم در این ولایت، وضعیت سابق وجود نداشت زیرا زلزله مخرب، تمام نیشابور را زیرو رو کرد و بیشتر مردم در زیر آوار ماندند و نیشابور به سمت کم‌اعتبارتر شدن پیش رفت و می‌بایستی چند سالی بگذرد تا دوباره رونق قدیم به شهر بازگردد. به علاوه هرات نیز به عنوان پایتخت شاهرخ میرزا و فرزندان وی، بر نیشابور پیشی گرفت (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۱۲-۳۵). با مطالعه آثار معماری این عهد، معلوم می‌شود که بیشتر توجه به وضعیت آبادانی نیشابور جدید، معطوف به دوره آخر تیموری بوده است که مهم‌ترین آن، ایجاد یک مسجد بود (موسوی روضاتی، ۱۳۷۹: ۱۳۸). آثار دیگر بیشتر جنبه تزئیناتی داشتند که نشان از کم‌اعتبار شدن نیشابور بزرگ در قرون نهم و دهم قمری دارد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۹۲). وضعیت جغرافیایی خراسان، به‌گونه‌ای بود که در مسیر شاهراه تجاری بزرگی قرار داشت. شاهراه بزرگ شامل شهرهای معروفی چون تبریز و سلطانیه بود و در خراسان از طریق نیشابور به نواحی ماوراءالنهر متصل می‌گشت (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۱۶۰-۱۶۲) نیشابور از قدیم به سه شهر مهم هرات، سرخس و سواحل خزر متصل می‌شد (یعقوبی،

۱۳۵۶: ۵۶) و این وضعیت نیز در دوره تیموری برقرار بود. در ضمن از طریق خشکی، راههایی به سمت کشورهای همسایه که در شرق و شمال شرق ایران واقع بودند، وجود داشتند که شامل سه مسیر مهم راه کشمیر، مغولستان و چین یا ختن می شدند و از این طریق، نیشابور و دیگر شهرهای مهم و تجاری خراسان می توانستند در برخی از ادوار با برقراری امنیت، تجارت پرمنفعتی را کسب نمایند (خطایی، ۱۳۷۵: ۳۹). با توجه به عدم مقاومت نیشابوریان در برابر حملات تیمور و عدم وجود شورش، نیشابور تا قبل از وقوع دو زلزله، شهری آباد و مکانی مناسب برای آمد و شد بازرگانان بود. کلاویخو، سیاح اسپانیایی، در سفر به سمرقند، از نیشابور گذر کرد و به فراوانی نعمت، وجود همه وسایل و جمعیت زیاد این شهر اشاره نموده است. از نظر او، نیشابور جایگاه نیکویی (یا از لحاظ موقعیت جغرافیایی یا قرار گرفتن بر مسیرهای تجاری) داشته است. با این توضیحات کلاویخو، وی خبر از فعالیت‌های بازرگانی و کشاورزی وسیعی در نیشابور می‌دهد ولی نیشابور مانند تبریز و سلطانیه قطب تجاری نبود اگر این گونه بود کلاویخو مانند دو شهر تبریز و سلطانیه از وضعیت تجارت و مبادلات در آن سخن می‌راند. این وضعیت، نتیجه همان کم توجهی تیموریان و کم اعتبار شدن نیشابور در برابر شهر هرات می‌باشد.

علاوه بر بازرگانی، یکی از منابع درآمد این منطقه کانی و سنگ فیروزه بود که جزء مرغوب‌ترین فیروزه‌های ایران زمین به حساب می‌آمد (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۱۸۹) و با داشتن طرفداران خاص خود، در فهرست ارمغانی‌های تیمور قرار گرفت (ابن عرب‌شاه، ۱۳۸۱: ۲۴۴). فیروزه نیشابور با توجه به مرغوبیت و معروفیتش، معدنچی‌ها، جواهرسازها و جواهرفروش‌هایی را مشغول به کار می‌کرد به‌ویژه که فیروزه به‌عنوان یک سنگ تزئیناتی به‌شمار می‌رفت و برای فال نیکو نیز از آن استفاده می‌کردند (کاشانی، ۱۳۴۵: ۷۰) و این اعتقاد بر اعتبار و اهمیت فیروزه می‌افزود و متقاضیان آن را بیشتر می‌کرد. هنر سفال‌گری، در نیشابور عهد تیموری رو به رشد نهاد (قائینی، ۱۳۸۳: ۸۳). نیشابور پیش از هجوم مغولان از مراکز عمده تولید سفال بود و در عصر تیموری به‌دلیل نیازهای دربار هرات به ظروف سفالی زرین فام، بار دیگر سفال‌گری در آن شهر احیاء گردید.

نیشابور مرکز این صنعت بود و این مسأله از مقایسه سفال‌پاره‌هایی که از این شهر در دوره تیموری به دست آمده‌اند، معلوم می‌شود. خط تولیدی اصلی نیشابور مشتمل بر تقلیدهایی از ظروف آبی و سفید چینی بود. مرکزیت نیشابور در زمینه سفالگری تا دوره صفوی، ادامه یافت (تاکستن، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۴). در دوران تیموری، سیل چینی با رنگ‌های معروف آبی و سفید خاندان مینگ به سوی غرب ایران روان شدند. لوازم ظروف چینی بسیار جالب و به‌طور نسبی ارزان‌قیمت بودند، بنابراین مورد توجه قرار گرفتند (آربری، ۱۳۸۴: ۱۹۸). از این‌رو، ارزانی و محبوبیت ظروف چینی، منبع درآمدی مناسب برای اهالی این شهر و مؤثر در رونق اقتصادی بود.

وضعیت مناسب آب و هوایی، آبیاری و کشاورزی در یک شهر از عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد یک جامعه بود. پیشرفت شهرها بستگی به آبادانی روستاهای آن داشت چرا که مواد غذایی مورد نیاز مردم شهر، از روستاها تأمین می‌شد و به این ترتیب، روستائیان می‌توانستند از درآمد مناسبی برخوردار شوند. نیشابور با داشتن آب و هوایی مناسب و منابع آب زیرزمینی (کاریز) بسیار، از مزایای خصوصیات ذکر شده تا حدودی برخوردار گشت (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۳۳)، بدین ترتیب سطح کشاورزی و باغداری (اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲: ۲۴۲)، تعداد روستاها و مزارع به‌طور تقریبی در آن مناسب و زیاد بوده‌اند (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۳۷). هم‌چنین در اوایل دوره تیموری کلاویخو (۱۳۶۴: ۱۸۹) از فراوانی نعمت، خربزه‌های بزرگ خوش‌رایحه و انواع میوه‌ها در نیشابور یاد می‌کند. یکی دیگر از محصولات معروف نیشابور که قبل از دوران تیموری، جغرافی‌نویسان عرب از وجود آن آگاهی می‌دهند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۳) و تا به امروز معروفیتش ادامه داشته، میوه ریواس است. ریواس علاوه بر مصرف غذایی، دارای فواید دارویی نیز می‌باشد و برای فروشندگان و عطاران درآمدزا بوده و هنوز هم هست (طاهری، ۱۳۸۰: ۱۳۰). معروفیت و محبوبیت میوه ریواس آن‌قدر بوده که لودویکو دی وارتما،^۱ سیاح قرن دهم قمری. از وجود بازار بزرگی از ریواس در هرات خبر می‌دهد (فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ۲۴۶) با توجه به اهمیت خاص این محصول در نزد مردم و شهرت ریواس نیشابوری،

هر چند که جغرافی‌نویسان و مورخان دوره تیموری از مبادله ریواس نیشابوری به سایر شهرها گزارشی نداده‌اند، با این وجود به نظر می‌رسد که ریواس نیشابور مورد مبادله قرار می‌گرفته و منبع درآمد مناسبی برای بازاریان و فروشندگان آن دیار محسوب می‌شده است.

به دلیل نزدیکی خراسان به ماوراءالنهر مرکز اصلی تیموریان و مبدل شدن هرات به پایتخت شاهرخ و آرامش نسبی که در برخی مواقع در ولایات خراسان برقرار بود ساخت آثار عام المنفعه در آن رو به ازدیاد نهاد، اما در سال‌های پرآشوب از رونق آن کاسته می‌شد. ساختمان‌سازی در رشد اقتصادی هر شهری تأثیر به‌سزایی داشت. وجود مساجد بزرگ، بنای بازار، حمام، مدرسه و خانقاه را ایجاب می‌کرد. متأسفانه در نیشابور عصر تیموری با توجه به بزرگی و شهرتش، ایجاد آثار معماری در آن کمتر صورت گرفت. اگر امیرزاده‌گان تیموری به خلق آثار ماندگار در شهر نیشابور اهمیت می‌دادند، آبادانی، رفت و آمد تاجران، محصلان و جمعیت این شهر رو به افزایش می‌نهاد. یکی از دلایل سقوط امپراتوری تیمور، جنگ‌های جاننشینی و تجزیه قلمروی وی پس از مرگش بود. درست است که تیموریان به معماری و آبادانی شهرها اهمیت می‌دادند و سطح ترقی برخی از نواحی را بالا می‌بردند، ولی در مقابل، اختلافات آنان با همدیگر، بیشتر زحماتشان را از بین می‌برد و این نزاع‌ها مانع از پیشرفت بیشتر می‌شد. جنگ و اختلافات، قحطی، گرانی، عدم احساس امنیت و اخاذی، فلاکت را برای مردم به‌دنبال می‌آورد. قحطی، فشار اقتصادی یا بیماری‌های واگیردار را برای زندگی پیشه‌وران به‌جای می‌گذارد و موجب پریشانی حال رعایا می‌شد. به‌طور نمونه پس از مرگ شاهرخ در سال ۸۵۰ ق. امرا و شاهزادگان هر یک متوجه ولایت و سرحدی شدند و در آن مناطق بنیاد ظلم و تعدی را آغاز نمودند، قتل عام و طمع در مال رعایا و مزارعان کردند و خرابی در ولایت‌ها راه یافت و مردم پراکنده گشتند و در تمام بلاد ایران قحطی و وبا شایع گشت (کاتب، ۱۳۴۵: ۹).

اوضاع پس از شاهرخ بسیار آشفته بود و تا روی کار آمدن بابر میرزا (از نوادگان شاهرخ) در خراسان و ایجاد دوره‌ای از صلح، آشفتگی‌ها صدمات زیانباری بر پیکره

شهرها و روستاها وارد نمود. با توجه به وجود جنگ‌های جانشینی شاهزادگان تیموری و هجوم ترکان قراقویونلو (مرعشی، ۱۳۴۵: ۲۰۱) و آق‌قویونلو به خراسان، سخت به نظر می‌رسد که نیشابور با وجود کم‌اعتباری و زلزله می‌توانست سابقه درخشان خود را در عهد تیموری دوباره تجربه کند و فرصتی برای آبادانی به‌مدت طولانی برای آنان وجود نداشت و سطح کشاورزی و اقتصادی شهر پایین می‌آمد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۴۵-۱۴۳). البته در دوران شاهرخ‌میرزا، بابر میرزا، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا (از نوادگان تیمور) آسودگی و رفاه تقریبی وجود داشت و زمینه برای رشد بیشتر اهالی نیشابور فراهم می‌شد. نیشابور در دوران سلطان حسین بایقرا یعنی اواخر قرن نهم قمری در اثر اسفزاری به نام *روضات الجنات فی اوصاف مدینه الیهرات* جزء شهرهای معمور خراسان ذکر شده است. بدین‌گونه این منطقه در دوره تیموری از آبادانی نسبی برخوردار بوده است (ابن بطوطه، ۱۳۴۸، ج ۱: ۴۴۲). متأسفانه مردم از ستم کارکنان و سربازان تیمور، با وجود دقت وی در عدم ظلم به رعایا (شامی، ۱۹۵۶: ۹۹) بی‌نصیب نبودند. یکی از این مظالم در گرفتن نحوه مالیات و ایجاد ترس در میان مردم بود. البته امیرزادگانی مانند شاهرخ‌میرزا (عقیلی، ۱۳۶۴: ۳۳۷) و سلطان حسین بایقرا سعی در رعیت‌پروری داشتند (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۴۵۹). محصلان مالیاتی به همراه شکنجه‌گران به روستاها می‌رفتند و با کدخدایان بیرحمانه و ستم‌گرانه رفتار می‌کردند و آنان را با تازیانه و چماق می‌زدند و مردم نیز با دیدن آن‌ها مضطربانه در داخل خانه‌هایشان پنهان می‌شدند. مسؤولیت اجرای پی‌گیری وضع مالیات بر عهده محصلان دیوان‌اعلی با همکاری نظامیان بود (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۱۹۵-۱۹۶).

به‌طور معمول پس از مرگ یک امیر، دیوانیان فرصت طلب، مالیات بیشتری به نفع خودشان از مردم می‌طلبیدند (میرخواند، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۱۱۹۱). عدم نظارت درست بر دیوان به‌علت انتخاب نادرست برخی از وزرای سودجوی تیموری بود (عقیلی، ۱۳۶۴: ۳۳۷-۳۳۸). در طی آشفتگی‌ها و هرج و مرج‌های پس از مرگ تیمور و امیرزادگان قدرتمند، بر استثمار رعیت افزوده می‌شد چون یک حکومت مرکزی قوی وجود نداشت تا نظارت دقیقی داشته باشد. امرا، شاهزادگان و اربابان می‌توانستند از این بی‌نظمی‌ها

سوء استفاده نمایند. به عنوان نمونه پس از مرگ شاهرخ، امرا در مال کشاورزان طمع نمودند و از آنان اخاذی کردند (کاتب، ۱۳۴۵: ۹). در آخر می توان گفت که نیشابور در این عهد، چون بزرگ و دارای منابع کانی مانند فیروزه، سابقه تاریخی درخشان، موقعیت مناسب جغرافیایی، آب و هوای مناسب و منابع آب کافی بوده، از لحاظ اقتصادی و تجاری نیز تا حدودی رشد نسبی داشته است. اقدامات عام المنفعه امرای تیموری به غیر از شاهرخ میرزا و سلطان حسین بایقرا، در این ناحیه ضعیف بود، ولی آنان با مرسوم کردن ساخت سفال به سبک چینی، در زمینه رشد و رونق هنر سفالگری و درآمدهای حاصل از آن، تأثیرات مثبتی بر جای گذاردند. از لحاظ وضعیت اجتماعی نیز اهالی نیشابور با توجه به دلایل ذکر شده، در وضعیت نامناسبی قرار داشتند، حتی زمانی که حاکمان کارآمد قدرت داشتند، نمی شود تضمین کرد که به مردم ظلم نمی شده و اموالشان به استثمار نمی رفته است.

نگاهی گذرا به اوضاع سیاسی تربت جام در دوره تیموریان

در طی حمله تیمور به خراسان در سال های ۷۸۳ تا ۷۸۴ ق. از تصرف شهر جام ذکری به میان نیامده است و چون این ولایت جزء قلمروی آل کرت بوده با تسلیم حاکم هرات، شهر جام بدون خونریزی به اطاعت ترکان درآمد (خوافی، ۱۳۳۹، ج ۱: ۱۰۴). محبوبیت شیخ احمد جام آن قدر بود که هنگام آغاز حملات تیمور به خراسان در سال ۷۸۲ ق. زین الدین ابوبکر تایبادی از مشاهیر نیمه دوم قرن هشتم قمری. در طی نامه ای سفارش فرزندان شیخ احمد و باقی مشایخ را به تیمور می کند. بنابراین وجود این مقبره در امنیت جام نیز تأثیر داشته است (نوائی، ۱۳۷۰: ۲-۳). مهم ترین سیاست های اجرایی تیموریان در تربت جام زیارت مقبره عارفان، استفاده از راه های نظامی و جنگ و درگیری بوده است. در پایان یورش هفت ساله در سال ۸۰۷ ق. تیمور از راه بسطام - نیشابور - جام وارد تربت جام شد و به زیارت مزار شیخ احمد رفت و به سوی سمرقند بازگشت (حافظ ابرو، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۲۵). در سال ۸۰۹ ق. در دوران حکومت شاهرخ میرزا، میرزا عمر بن میرانشاه حاکم گرگان به دنبال استقلال بود. گروهی از ملازمان امیر شاه ملک،

که یکی از امیران شاهرخ بود به گرگان رفتند و به میرزا عمر گفتند خراسانیان از امیر شاه‌ملک ناراضی هستند و او را دعوت به تجاوز خراسان نمودند بنابراین میرزا عمر به جانب خراسان شتافت. شاهرخ با شنیدن این خبر برای دفع او به سمت جام رفت. در قریه بردویه ولایت جام بین طرفین نبردی آغاز و به شکست میرزا عمر منجر شد (سمرقندی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۶۷ - ۷۳). شاهزاده محمود بن ابوسعید که منهزم از آذربایجان پس از مرگ پدرش به سمت خراسان می‌آمد با نیروهای حسین بایقرا در نواحی شهر جام درگیر شد و شکست خورده به سمت ماوراءالنهر متواری گشت (سمرقندی، ۱۳۶۷: ۵۹۲). سرانجام در سال ۹۱۳ ق. در طی کشمکش‌های جانشینی فرزندان سلطان حسین بایقرا بر سر قدرت، شهرهای خراسان به دست ازبک‌ها افتاد و سلسله تیموری در ایران به پایان رسید (میرخواند، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۵۴۸۸).

بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی تربت جام در دوره تیموری

تربت جام قبل از عصر تیموریان یک ناحیه کوچک به حساب می‌آمد ولی با ساخت و سازهای خاندان تیموری و وجود مزار شیخ احمد مبدل به شهری معروف شد (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۱۲-۳۵). تربت جام رشد خود را در اصل در عهد تیموری آغاز می‌کند. تعداد زیاد بناهای ایجاد شده، نشان از فقر آثار معماری در ولایت جام قبل از عصر تیموری می‌باشد. دو رباط به نام‌های جام و سمنگان، یک خانقاه در مجموعه شیخ احمد جام (کیانی، ۱۳۸۴: ۱۸۴) و خانقاه دیگری در خارج زیارتگاه در قسمت شرقی مجموعه (زنده دل، ۱۳۷۷: ۱۵۵)، مسجد جدید در ضلع شمالی مجموعه شیخ احمد جام (گلمبک، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۶)، مدرسه فیروزشاه یا گنبد سبز در جنوب غربی مجموعه (کیانی، ۱۳۸۴: ۱۸۴) و خانقاه قاسم انوار عارف معروف قرن نهم قمری، از آثار مهم دوره تیموری در تربت جام محسوب می‌شوند (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۰-۱۱). تربت جام با واقع شدن بین دو شهر زیارتی و تجاری مشهد و هرات، مکانی مناسب برای حضور و گذر تاجران، مسافران، زائران و طلاب بوده است (بیات، ۱۳۸۳: ۱۵۵). با توجه به این که بناهای بسیاری در این دوره ساخته شده، حضور این اقشار را در شهر بیشتر می‌کرد و بر اعتبار

آن می‌افزود. مسجد، برای استراحت مسافران و مدرسه، جهت جذب بیشتر طلاب از نواحی مختلف خراسان به شهر جام مؤثر بوده به‌ویژه که شهر، زائران خاص خود را برای زیارت مقبره شیخ احمد داشت و نقش مساجد را پر رنگ‌تر می‌کرد. جام تنها روستای ولایت جام بود که در آن بازاری را برپا کردند و این امر به جهت (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۲۷) وجود مدرسه، کاروانسرا، خانقاه و مسجد بود که باعث تجمع عده زیادی در این مجموعه شد. بنابراین با ایجاد بازار، دکانداران و تاجران اشتغال یافته و موجبات ترقی اقتصاد جام را فراهم نمودند. افزون بر این، اعتبار شهر از طریق زیارت مقبره شیخ احمد توسط تیمور و خانواده‌اش افزایش می‌یافت (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲: ۱۵۵)

از دیگر فعالیت‌های اقتصادی جامی‌ها، کشاورزی و بافندگی بود. از میوه‌های شهیر جام، خربزه باباشیخی به هرات صادر می‌شد و در آنجا خواستاران فراوانی داشت و خربزه باباشیخی را به هرات صادر می‌کردند (اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۱: ۲۴). سطح کشاورزی جام در قرون نهم و دهم قمری، نسبت به دوره ایلخانان پایین آمد. زیرا تعداد روستاهای آن، در دوره ایلخانی به دویست قریه می‌رسید (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۵۴) و در عهد شاهرخ به بیست و چهار روستا تنزل کرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۲۷). علاوه بر این از جام نوعی پشمینه که مخصوص درویشان بود به مناطق اطراف می‌فرستادند (اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۱: ۲۴۲). وجود چهار خانقاه شیخ احمد جام، قاسم انوار در شهر تربت جام و دو خانقاهی که توسط تیمور ساخته شد در دوره پراشوب تیموریان اغلب پناه‌گاه مناسبی برای افراد ستم دیده بود. صوفیان و درویشان ساده‌منش به دور از غلام و کنیز به تربیت مرید، ریاضت (جامی، ۱۳۷۰: ۳۹۱-۳۹۲)، انجام کارهای خارق‌العاده و امر به معروف می‌پرداختند (صفی، ۱۳۵۶، ج ۱: ۸۴-۸۵) و این‌گونه در دل‌های شکسته صاحب نفوذ بودند و ارتباط نزدیکی با مردم برقرار می‌کردند (جامی، ۱۳۷۰: ۲). ارتباطات نزدیک بین درویشان و مردم عادی، به نوعی باعث احترام پادشاهان در برابر عارفان ساده می‌شد، بنابراین خانقاه‌ها از دست اندازی و تجاوز حاکمان به دور می‌ماند و مبدل به مکانی امن و جایگاهی برای ایجاد حس آرامش برای مراجعه‌کنندگان می‌شد. خانقاه شیخ احمد جام، برای تیمور و اهداف وی مؤثر واقع شد زیرا امیر تیمور قبل از شروع جنگی به زیارت

احمد جام می‌رفت و این گونه به عوام فریبی می‌پرداخت و وانمود می‌کرد که با استمداد از وجود مقدس شیخ احمد، در فتوحاتش موفق خواهد شد و جنگ و خونریزی‌هایش جنبه مذهبی به خود می‌گرفت (یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲: ۱۵۵).

منبع درآمد خانقاه‌ها، از اراضی وقفی، نذورات مردمی و هدایای امیران تشکیل می‌شد. به‌عنوان مثال، در سال ۷۹۱ ق. میرانشاه بن تیمور به زیارت مزار شیخ احمد جام رفت و انعامات بسیاری به متولیان مزار تقدیم کرد (شامی، ۱۹۵۶: ۹۱). بخشی از این درآمدها توسط متولیان برای اطعام فقرا و درویشان صرف می‌شد (خواندمیر، ۱۳۷۸: ۱۶۷). نوادگان شیخ احمد جام به‌عنوان متولیان مقبره جد بزرگشان و به برکت وجود او و خانقاه، افرادی ثروتمند (شامی، ۱۹۵۶: ۹۱) و معروف بودند به‌طوری که در متون تاریخی از آنان نام برده می‌شد (خوافی، ۱۳۳۹، ج ۱: ۵۳). به‌ویژه که بر مزار، املاکی وقف شده بود و این‌گونه متولیان ثروتمند می‌توانستند مقداری از هزینه‌های املاک وقفی را خرج فقرایی که به خانقاه پناهنده می‌شدند، بکنند (نوائی، ۱۳۷۰: ۳۱۴-۳۱۵). در دوره‌ی مغول املاک وقفی مزار از مالیات معاف شدند و با توجه به اهمیت این بقعه برای تیموریان، این امتیاز می‌توانست در این دوران ادامه داشته باشد و بر ثروت متولیان بیفزاید (ابن بطوطه، ۱۳۴۸، ج ۱: ۴۴۰). وجود چندین خانقاه و محبوبیت شیخ احمد باعث شد که نوادگان این شیخ در نزد مردم عزیزتر شوند و نیز سکونت عارف نامی قاسم انوار در ولایت جام، همه سبب شدند که قشر زهاد، زائران و مردم عامی بسیاری به جام روند تا از وجود این افراد معتبر استفاده کنند و دمی از سیر و سلوک معنوی آنان بهره مندگردند. بنابراین اعتبار مذهبی تربت جام در عهد تیموری افزایش یافت. جامی شاعر دوره تیموری، در کتاب خویش به نام نفحات الانس به موضوع ذکر شده در مورد شخص قاسم انوار اشاره می‌کند و می‌گوید قاسم انوار نذوراتی که داشته صرف خانقاه خویش می‌کرد و جماعت بسیاری به آنجا می‌آمدند و هم‌چنین برخی از مردم خرچرد جام که در قبول و انکار غالباً از تعصب خارج بودند از وی بعضی کرامت‌ها می‌دیدند. برخی از درویش معاصر قاسم انوار گفته بودند که توجه به مرقد وی موجب جمعیت تمام است. قاسم انوار در خرچرد جام مرد و علت این که به زادگاه خویش تبریز نرفت، رونق کاریش

در جام و محبوبیتش در میان مردم بوده است (جامی، ۱۳۷۰: ۵۹۱-۵۹۳). در یک جمع بندی می‌توان گفت پیشرفت اقتصادی تربت جام در این عهد بیشتر به دلیل مذهبی، اقدامات عام المنفعه تیموریان و تا حدودی موقعیت جغرافیایی می‌باشد. ولی اهالی جام از ظلم و ستم کارگزاران تیموری در امان نبودند و جنگ‌ها، بیشترین ناامنی را برای مردم به وجود می‌آورد.

نتیجه

شهر جام در قرون نهم تا دهم قمری، توانست نسبت به نیشابور بیشتر مورد توجه تیموریان قرار گیرد. تربت جام به‌عنوان یک ناحیه مذهبی، رو به پیشرفت نهاد. خلق آثار زیبا به تعداد زیاد، سبب حضور بیشتر افراد مختلف جهت زیارت، تجارت و فراگیری علم شد و تأثیر بسیاری در ارتقای وضعیت اقتصادی، شهرت و وسعت این شهر داشت. تربت جام با وجود پیشرفت‌هایی که داشت، نمی‌توانست با شهری چون نیشابور قابل قیاس باشد زیرا وضعیت جغرافیایی نیشابور نسبت به تربت جام مناسب‌تر بود به‌ویژه که در مسیر ماوراءالنهر و راه تجاری شمال ایران که به مرکز و غرب ایران منتهی می‌شد، قرار داشت. بنابراین درآمدهای تجاری و مبادلات تجاری نیشابوریان بیشتر از جامیان بوده است. آب و هوای بهتر، ازدیاد منابع آبی و تعداد روستاهای نیشابور نسبت به تربت جام، نشان بر فزونی محصولات کشاورزی نیشابور داشت. مرکزیت سفالگری نیشابور در خراسان و وجود معادن فیروزه سبب شد که اوضاع اقتصادی نیشابور بر تربت جام پیشی گیرد. علی‌رغم آن که انتظار می‌رفت نیشابور با پیشینه درخشان در عهد تیموری از رونق معماری و پیشرفت اقتصادی خوبی برخوردار گردد اما رشد مورد انتظار حاصل نشد، به‌طوری که بناهای ایجاد شده در تربت جام قابل قیاس با نیشابور نیست. زلزله مهیب سال ۸۰۸ ق. و رشد روزافزون هرات، امکان رشد اقتصادی نیشابور را کمتر کرد. در مورد نیشابور همین قدر کافی است که بگوییم این شهر در این عهد از لحاظ اقتصادی و عمرانی تا حدودی سیر نزولی داشته است. در مورد اوضاع اجتماعی، متأسفانه هر دو شهر مورد بحث در وضعیت مطلوبی قرار نداشتند. تیموریان در همه‌ی نقاط خراسان

مشغول به ظلم بودند و نبردهای جانشینی، نظام دیوانی ضعیف و رسیدگی نامطلوب وزرا، معمولاً در سراسر خراسان وجود داشت. اما اهالی نیشابور به خاطر زلزله‌ی مصیبت باری که دچار آن شدند نسبت به مردم جام که به خاطر وجود مزار و خانقاه شیخ احمد در رفاه بهتری قرار داشتند سختی‌های بیشتری کشیدند.

منابع

۱. آربری، آرتور جان، و دیگران (۱۳۸۴). *میراث ایران*. ترجمه احمد بیرشک و دیگران. تهران: علمی و فرهنگی.
۲. ابن عرب‌شاه، احمد بن محمد (۱۳۸۱). *عجایب المقذور*. ترجمه محمدعلی نجاتی. تهران: علمی و فرهنگی.
۳. ابن بطوطه، ابوعبدالله بن محمد (۱۳۴۸). *سفرنامه ابن بطوطه*، ج ۱. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴. اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی (۱۳۳۹). *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.
۵. بیات، عزیزالله (۱۳۸۳). *کلیات جغرافیایی طبیعی و تاریخی ایران*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۶. تاکستن، حیدر، و دیگران (۱۳۸۴). *تیموریان*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
۷. جامی، نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۰). *نفحات الانس من حضرات القدس*. تصحیح محمود عابدی. تهران: اطلاعات.
۸. جوینی، عطاملک (۱۳۷۸). *تاریخ جهانگشا*. به تصحیح منصورت ثروت، ج ۱. تهران: امیرکبیر.
۹. حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*. تهران: اطلاعات.
۱۰. ----- (۱۳۷۲). *زبده التواریخ*. تصحیح کمال حاج سید جوادی، ج ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

۱۱. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله (۱۳۷۵). تاریخ نیشابور. ترجمه محمد بن حسین خلیفه نیشابوری. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکن. تهران: نشر آگه.
۱۲. خطایی، علی اکبر (۱۳۷۵). خطای نامه. تصحیح ایرج افشار. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
۱۳. خوافی، فصیح الدین احمد بن جلال الدین محمد (۱۳۳۹). مجمل فصیحی. به تصحیح محمود فرخ، ج ۱. مشهد: کتاب‌فروشی باستان.
۱۴. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۵۵). دستورالوزرا (شامل وزرای اسلام تا انقراض تیموریان). تصحیح سعید نفیسی. تهران: اقبال.
۱۵. ----- (۱۳۷۸). مکارم‌الاخلاق. تصحیح محمد اکبر عشیق. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب با همکاری آینه میراث.
۱۶. ----- (۱۳۸۰). حبیب‌السیر فی اخبار افراد اله بشر، ج ۴. تهران: خیام.
۱۷. زنده‌دل، حسن (۱۳۷۷). مجموعه راهنمای ایرانگردی استان خراسان. تهران: نشر ایرانگردان.
۱۸. سمرقندی، دولت‌شاه بن بختیشاه (۱۳۶۷). تذکره الشعراء. تصحیح محمد عاشی. تهران: کتابخانه بارانی.
۱۹. سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۶۰). مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین. تصحیح محمد شفیع، ج ۲، جزء اول. بی‌جا: بی‌نا.
۲۰. شامی، نظام‌الدین (۱۹۵۶). ظفرنامه. تصحیح فلکس نادر، پراگ: شرقیه.
۲۱. طاهری، علی (۱۳۸۰). درآمدی بر جغرافیا و تاریخ نیشابور. نیشابور: شادیاخ.
۲۲. عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام (۱۳۶۴). آثار الوزراء. تهران: اطلاعات.
۲۳. فراهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۱). پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۴. قائینی، فرزانه (۱۳۸۳). حوزه آبگینه و سفالینه‌های ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲۵. کاتب، احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۵). تاریخ جدید یزد. تصحیح ایرج افشار.

تهران: فرهنگ ایران زمین.

۲۶. کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۴۵). *عرایس الجواهر و نفایس الاطایب*. تصحیح

ایرج افشار. تهران: انجمن آثار ملی.

۲۷. کیانی، محمدیوسف (۱۳۸۴). *تاریخ هنر معماری در دوره اسلامی*. تهران: وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

۲۸. کلاویخو، روی گنزاله (۱۳۶۴). *سفرنامه کلاویخو*. ترجمه مسعود رجب نیا.

تهران: علمی و فرهنگی.

۲۹. گلمبک، لیزا، و دیگران (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*. ترجمه

محمدیوسف کیانی و کرامت الله افسر، ج ۱. تهران: سازمان میراث فرهنگی

کشور، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳۰. مرعشی، ظهیرالدین بن سید نصرالدین (۱۳۴۵). *تاریخ طبرستان و رویان و*

مازندران. تهران: شرق.

۳۱. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران:

امیرکبیر.

۳۲. موسوی روضاتی، مریم‌دخت (۱۳۷۹). *گنج‌نامه مدارس (فرهنگ آثار معماری*

اسلامی ایران). ترجمه کلود کرباسی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور؛

دانشگاه شهید بهشتی.

۳۳. میرخواند، محمدبن خاوندشاه (۱۳۸۵). *روضه الصفا*. تصحیح جمشید کیان‌فر،

ج ۱۱. تهران: اساطیر.

۳۴. نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳). *منتخب التواریخ معینی*. تصحیح پروین استخری.

تهران: اساطیر.

۳۵. نوائی، عبدالحسین (۱۳۷۰). *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران*. تهران: علمی و

فرهنگی.

۳۶. صفی، علی فخرالدین (۱۳۵۶). *رشحات عین الحیات*. تصحیح علی اصغر

مصینیان، ج ۱. تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.

۳۷. یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۳۶). *ظفرنامه*. تصحیح محمد عباسی، ج ۲. تهران: امیرکبیر.
۳۸. یزدی، غیاث‌الدین علی (۱۳۷۹). *سعادت‌نامه*. تصحیح ایرج افشار. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۵۶). *البلدان*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

